

## تشیع در آثار مستشرقان

جزوه خلاصه درس «تشیع در آثار مستشرقان» شیعه شناسی مرکز تخصصی علامه امینی تبریز ۹۳-۹۴ تنظیم استاد رحیم قربانی

در حوزه شرق شناسی چندین مسئله حایز اهمیت است که بعضی از آنها به ترتیب زیر است:

عوامل و انگیزه شرق شناسی، اهداف اسلام و شیعه شناسی، برنامه‌های مرتبط با اسلام شناسی و شیعه شناسی، ارتباط میان ملل دنیا بویژه با اسلام و تشیع، ارتباط شرق شناسی با اسلام و تشیع؛

این موارد به طور خلاصه مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

**علل، عوامل و انگیزه‌های غرب برای شرق شناسی**

بحث از این مسئله بسیار مفصل است که در این مجال از آن در می‌گذریم.

**اهداف غرب برای از شرق شناسی**

غرب برای شناختن جهان شرق اهداف زیر را دنبال کرده است:

**الف. اهداف تبشیری برای**

**الف-۱. سلطه بر محتوای عقاید آنان جهت تغییر آن**

**الف-۲. تحریف و تضعیف محتوای دینی**

**ب. اهداف استعماری جهت یافتن راه‌های مشروع و مناسب برای استعمار ملل شرقی**

**ج. اهداف علمی و تسلط بر منابع علمی**

**د. اهداف تجاری و تسلط اقتصادی بر جوامع اسلامی**

**هـ. اهداف نظامی**

**مقالات مهم در این زمینه:**

درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن (مجید معارف)

دوره‌های استشراق؛ دکتر محمدحسن زمانی (عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی)

**برنامه های غرب برای شرق شناسی**

برنامه های غرب برای پیاده نمودن اهداف شوم خود به ترتیب زیر است:

**الف. برنامه برای سلطه بر محتوای عقاید آنان جهت تغییر آن**

**گسیل داشتن مبلغان مسیحی به کشورهای شرقی**

**وارونه نشان دادن اسلام**

**ادبیات به جای دین**

طبق این برنامه اسلام را با هزار و یک شب و داستانهای ساختگی سندباد و علی بابا به غرب معرفی نمودند. شرق در عصر آغاز استعمار توسط فرانسه، شرق هزار و یک شب بود، یعنی دقیقاً جایی که محل حاکمیت اسطوره و خرافه بود.

**بر هم زدن ساختارهای معنوی جامعه مسلمان**

که طبق آن باید ابتدا دژ مستحکم تصوف و رویکردهای اخلاقی و معنوی را میکردند؛ به طوری که عمده تحقیقات اسلام شناسانه فرانسه در باب آفریقای شمالی و ساحلی که حوزه استعمار این کشور بوده صورت گرفته و به طریقه های متصوفه که بافت اصلی این مناطق است، پرداخته شده است. شرق شناسان معتقد بودند اولین گروهی که باید شکست داده شود طرق صوفیه است، چون هر وقت اینها شکست بخورند دیگر بافت اجتماعی و دژی باقی نخواهد ماند و اسلام شکست خواهد خورد. برای این شرق شناسان مساله اصلی ارتباطات اجتماعی و اقتصادی بود و خیلی کم به مسائل اعتقادی پرداخته می شد.

## دور از عقل و منطق نشان دادن اسلام

در اسلام نه عقل گرایی وجود دارد نه منطق و آنچه که به نام فلسفه و منطق اسلامی!!! است وارداتی بوده و از یونانیان به ارث رسیده و مسلمانان آن را پرورش و گسترش داده‌اند. همه جریانهای عقل و فلسفه ستیزی در تاریخ اسلام ریشه در این فکر یهودی دارد.

## دور از معنویت نشان دادن اسلام

در اسلام نه معنویت وجود دارد و نه عرفان و اخلاق و اگر چنین چیزهایی وجود داشته باشد از جای دیگری وام گرفته شده است. این فکر ادامه داشت تا زمانی که ماسینیون تلاش کرد اثبات کند معنویت در اسلام وجود دارد و تصوف در خود قرآن وجود دارد و احتیاج ندارد مسلمانان از جای دیگری وام گرفته باشند. وی در همین زمینه کتابی با نام مصطلحات صوفیه و ریشه های قرآنی آن نوشت.

تازه این بررسیها وجود عرفان و معنویت را به دوره‌های پس از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نسبت می‌دهد تا اسلام را بدون ولایت ائمه جلو دهد.

## دور از علم نشان دادن اسلام و مسلمین

پس از دوره رنسانس که غربیان از طریق مهاجران، تاجران، گردشگران و مبلغان خود از اوضاع و احوال علمی و پیشرفت مسلمانان آگاهی یافتند، برای تسلط یافتن بر آنها برنامه گسترده غارت علمی و تهی ساختن مسلمانان از منابع علمی را در دستور کار خود قرار داده و «منشور استحمار» را به اجرا در آوردند. مردم به جای علم و دانش به عبادت و قرآن و امور فردی مشغول گردند تا از اجر بی پایان الهی در آخرت بهره مند گردند!!!

## ب. برنامه برای استعمار ملل شرقی

غرب که در قرون ۱۵ و ۱۶ تحت سیطره بریتانیای کبیر و ملکه آن بود برنامه اصلی تسلط به جهان را طی سه منشور به اجرا گذاشت:

**استعمار:** برای مناطقی مانند آفریقا که از علم و صنعت بی بهره هستند و در فقر و بدبختی زدگی می‌کردند.

**استثمار:** برای مناطقی که تاحدودی منابع مادی و انسانی فراوان داشتند و می‌توانستند در کنار استعمار از منابع مادی آنها نیز بهره برداری کنند.

**استحمار:** مناطقی مانند خاور میانه که به راحتی قابل استعمار و استثمار نبود و باید مردم را به استحمار می‌کشیدند تا بتوانند به آن دو برنامه نیز دست یابند؛ از این رو مشغول ساختن مردم با ظواهر دینی و برخی امور کم ارزش و یا بی ارزش را در دستور کار قرار داده و کمکهای شایان توجهی برای ترویج و توسعه بعضی از مظاهر و ظواهر بی محتوا و کم خاصیت دینی نمودند؛ مانند قمه زنی و عزاداریهای خیابانی که با مردم آزاری و نقض حقوق همراه بود؛ به طوری که هم با احکام اسلامی مخالف بود؛ هم تضییع حقوق مردم و سلب آسایش آنان را به همراه داشت و هم فاقد خاصیت سیاسی و اجتماعی بود؛ مهمترین حادثه در بستر استحمار، جریان مشروطه ایران بود که در آن مجتهدان دینی مردم مانند ثقه الاسلام و فضل الله نوری در روز عاشورا توسط روس و انگلیس در میدان بزرگ شهر به دار مجازات استعماری آویخته شد و هیچ یک از عزاداران به این بهانه که دستگاه عزاداری امام حسین را سیاسی نکنید از آنها دفاع نکردند. روس و انگلیس هم حاضر است برای چنین عزاداری کمک کرده، قمه و کفن برای عزاداران! توزیع کند.

## ج. برنامه برای تحریف و تضعیف محتوای دینی

ترجمه ناقص قرآن و سایر کتب اسلامی

ترجمه قرآن در عصر ترجمه به قصد مبارزه با مسلمانان

قرون وسطی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: بخش اول از حدود قرن ششم تا قرن یازدهم و دیگری از قرن یازدهم تا وقوع رنسانس.

در عصر دوم است که اولین ارتباط با جهان اسلام با عصر ترجمه آغاز می‌شود. جدایی روم شرقی و غربی در سال ۱۰۵۰ باعث می‌شود سه جهان به وجود بیاید: **جهان نویسندگان زبانهای لاتینی، یونانی و عربی.**

بعدها مشکلی که به وسیله مستشرقین به وجود آمد این بود که این سه قسم از زبان را به قوم برگردانند. در حالی که ابن سینا عرب و یا دانش اسکوتوس لاتینی نبود. عصر ترجمه، یک قرن (از ۱۱۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی) را در بر می‌گیرد. در این یک قرن از عربی به لاتین ترجمه شده است. تا این زمان کتاب منطق ارسطو به صورت ناقص ترجمه شده بود، اما پس از عصر ترجمه فلاسفه ای مانند آکویناس توانستند کل آثار ارسطو را با شرح و بسطی که ابن رشد و ابن سینا داده بودند مطالعه کنند و به لاتین ترجمه کنند.

در عصر ترجمه هیچ کتابی در زمینه کلام، تصوف، فقه یا حتی حدیث ترجمه نشده است و فقط به علوم معقول مانند ریاضیات و موسیقی و فلسفه مربوط بود. استثنای این مطلب قرآن بود که آن هم به صورت ناقص ترجمه شد. انگیزه ترجمه قرآن نیز مبارزه با مسلمانان بود. این ترجمه به زبان

لاتین و به درخواست یک اسقف که به اندلس رفته بود و می دید برخی مخفیانه مسلمان مانده اند و باید با آنها مبارزه کرد انجام شد. این ترجمه نیز کامل نیست و در واقع نوعی خلاصه و همراه با پیش داوری است؛ جالب است که این ترجمه تا پانصد سال تنها ترجمه قرآن بوده و ترجمه بعدی سال ۱۶۴۷ به عنوان اولین ترجمه به زبان فرانسه که به انگلیسی و آلمانی نیز برگردانده شد به عمل آمد و ترجمه سوم تا دویست سال دیگر پیرامون انقلاب فرانسه انجام شده و سپس ترجمه های دیگری از قرآن انجام شد. در قرون وسطی اعتقاد این بود که عقل بشر مشترک است و می توان از مباحث عقلی و پژوهش علمی کسانی که جلوتر رفته اند با وجود آن که دین متفاوتی داشته باشند استفاده کرد. فلسفه ارسطویی در قرون وسطی زبان مشترکی میان مسلمانان، مسیحیان و یهودیانی که در اطراف مدیترانه بودند شده بود.

– دوره هفتم استشرق: چاپ و نشر کتب اسلامی و ضد اسلامی

– اولین چاپخانه کتب عربی مستشرقان

مستشرقان تا قبل از قرن ۱۶ برای دسترسی به کتب شرقی و اسلامی ناگزیر بودند نسخه های خطی شرقیان را خریداری و یا استنساخ کنند. که کار بسیار دشواری بود؛ اما در دهه ۸۰ قرن ۱۶ اسقف و دوق توسکانا و فردیناند فون میدیشی با تشویق پاپ اعظم و حمایت گریگور پنجم (۱۵۸۵-۱۵۷۲م) برای اولین بار حروف عربی را به صورت قطعات حروف که قابل کنار هم گذاشتن باشند، به دست یک جوان ایتالیایی به نام گیوفانی باتیستا ریموندی در رم ساخته و بر اساس آن چاپخانه کتب عربی را تأسیس کردند که افق جدید و پهناوری را برای بهره‌بری غربیان از کتب عربی باز کرد؛ البته سال ۱۵۸۶ حروف عربی به صورت زیباتری ساخته شد.

یکی از پدیده های مهم این قرن چاپ کتب مسلمانان بود که در سال ۱۵۸۶م آغاز شد. چاپخانه هایی که به دستور کاردینال فردیناند مدیسی تأسیس شده بود، متصدی چاپ این کتاب ها شدند که از مهم ترین تألیفات ابن سینا در پزشکی و فلسفه بود. کشور هلند سپس وارد عرصه چاپ کتب عربی شد و فرانسیکو (م ۱۵۹۷م) به ساخت حروف زیبای عربی برای چاپخانه اقدام نمود که می توان این تاریخ را خشت زیربنای صنعت چاپ کتب عربی چهارصد ساله لیدن به شمار آورد. صنعت چاپ کتب عربی در آلمان نیز سال ۱۵۷۵ م با تلاش پزشک بیتر کیریستن آغاز شد.

– تاریخچه تأسیس اولین چاپخانه های غربی برای کتب اسلامی و عربی

۱. ایتالیا

۱-۱. چاپخانه پاکانانی در شهر بندقیه (ونزا) از اولین چاپخانه های غرب به منظور کار استشرافی بوده که در سال ۱۵۱۸ م قرآن کریم را چاپ نمود.

۱-۲. چاپخانه معهد یونانی در بین سال های ۱۵۷۲ تا ۱۵۸۷م به دستور پاپ گریگور سیزدهم با همین انگیزه تأسیس شد.

۱-۳. چاپخانه کالج معهد رم در سال ۱۵۶۴م تأسیس گردید.

۱-۴. چاپخانه میدتشی در رم در سال ۱۵۸۴ م تأسیس شد و مدیریت آن در اختیار مستشرق معروف ریموندی قرار گرفت.

۱-۵. چاپخانه ساواری در سال ۱۶۱۳ م در رم تأسیس شد.

۱-۶. چاپخانه کالج مارونی سال ۱۶۲۰ م تأسیس شد.

۱-۷. چاپخانه مجمع ایمال نیز در سال ۱۶۲۶ م تأسیس گشت.

۱-۸. انتشارات و چاپخانه آمبروزین در سال ۱۶۲۳ م در شهر میلان تأسیس شد.

۱-۹. چاپخانه سمینار نیز در شهر پادوس در سال ۱۶۸۷ تأسیس گشت.

۲. فرانسه

مؤسسه از معدود مؤسسات چاپ کتب استشرافی فرانسه بود که در سال ۱۶۱۶ م تأسیس گردید. چاپ کتب عربی در فرانسه در دوره لوئی سیزدهم تحول و تکامل یافت.

۳. هلند

۳-۱. چاپخانه ویژه کتب شرق شناسی در دانشگاه لیدن سال ۱۵۷۵ م تأسیس شد و کتب مهم اسلامی و عربی توسط این چاپخانه منتشر گردید.

۳-۲. چاپخانه «ارینیوس» نیز در سال ۱۶۱۳ م با همین انگیزه تأسیس شد.

۳-۳. چاپخانه «ال زویر» نیز در سال ۱۶۵۸ م تأسیس شد و بسیاری از کتب نفیس خطی عربی را چاپ کرد.

۴. آلمان

در آلمان نیز چاپخانه‌های متعددی در همین قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی تأسیس شد که بسیاری از آن‌ها به چاپ کتب عربی و اسلامی همت گماشتند؛ مانند چاپخانه‌های شهرهای فرانکفورت، توبینگن، ویتنبرگ و برام.

۵. انگلیس

دو شهر لندن و آکسفورد قدیمی‌ترین شهرهایی هستند که چاپخانه‌هایشان به چاپ و نشر کتب اسلامی و عربی اقدام نمودند و اغلب در رشته‌های ادبیات عربی، تاریخ و جغرافیای چاپ می‌کردند.

#### – اعمال غرض در گزینش کتب مخدوش مسلمانان برای چاپ

همواره مشاهده برگ برنده مسلمانان یعنی تمدن بزرگ اسلامی اندلس که تالو و ارتقای علمی آن قرن‌ها غرب را مبهوت کرده بود، برای غربی‌ها آزار دهنده بود، به ویژه که ورود دین اسلام به سرزمین اندلس از زیباترین و آرام‌ترین و انسانی‌ترین روش‌ها بوده است؛ زیرا مردم فرهنگ دوست اندلس بدون جنگ و فشار نظامی آیین اسلام را در قرن سوم پذیرفتند. استشرق غرب برای لکه‌دار کردن این ویژگی و برگ برنده، در تحقیقات خود در کتب خطی مسلمانان، توانستند به کتابی در تاریخ ورود اسلام به اندلس دست یابند که نویسنده مسلمان آن در سرتاسر کتابش جز از خشونت و کشتار و رقابت‌های خلفای عباسی و اموی و لشکرکشی‌های فرماندهانش علیه یکدیگر و طرح مسموم ساختن یک فرماندار مسلمان اندلس توسط فرمانده بعدی و مانند آن سخنی در آن کتاب نگفته بود! بالاتر آنکه حتی جرعه اصلی حرکت طارق بن زیاد – فرمانده شجاع سپاه اسلام و فاتح اندلس – را نیز تحریک یک شاهزاده دختری به نام سارا دختر غیظشه آخرین پادشاه قوط اندلس می‌داند که از تصرف زمین‌های ارثی‌اش توسط عمویش پیش خلیفه مسلمانان هشام بن عبدالملک شکایت برده بود. هشام نیز فوراً او را به عقد عیسی بن مزاحم در آورد و در پی آن نیز دو فرمانده اسلام با دو لشکر جداگانه به نام طارق ابن زیاد و موسی بن نصیر به اندلس حمله کردند و زمین‌های غصب شده را برای آن دخترک مظلوم! پس گرفتند و سپس حرکت طارق (فاتح اسلامی اندلس) با این رنگ و لعاب ادامه یافت!!

#### – انگیزه مستشرقان در نشر کتب قرائات

دکتر اسماعیل سالم عبدالعال می‌نویسد: «انگیزه مستشرقان در چاپ و نشر کتب اختلاف قرائات، شعله‌ور کردن آتش فتنه‌ای است که عثمان آن را خاموش کرد. آنگاه که مسلمانان بر یک نسخه اتفاق نظر کردند. بر همین اساس که کتاب المصاحف تألیف ابوبکر عبدالله بن ابوداود برای اولین بار به واسطه یک مستشرق انگلیسی به نام آرتور جفری احیا و تحقیق و منتشر می‌شود. جفری مقدمه‌ای که مملو از دروغ و تهمت است نیز بر کتاب مصاحف می‌نگارد. او به این اندازه هم بسنده نکرده، بلکه کتاب القرآن، نزوله، تدوین، ترجمته و تأثیره تألیف رژی بلاشر را در پایان این کتاب به آن ملحق کرده است. کتاب بلاشر نیز مملو از خباثت و فریب و سخنان بیهوده است»

#### – انگیزه مستشرقان در نشر کتب تصوف و فرق اسلامی

دکتر محمد سید الجلیند استاد دارالعلوم دانشگاه الأزهر می‌نویسد: «بدون شک یکی از انگیزه‌های مستشرقان در تحقیق کتب متصوفه و فرقه‌های کوچک اسلامی، یافتن نظریات شاذ و اختلافات قدیمی تاریخی و دیدگاه‌های غلوآمیز و غیر معقول فرقه‌های اسلامی و انتشار آن‌ها در سطح جوامع اسلامی بوده است تا مسلمانان را به ادامه همان اختلافات و نقد و بررسی آن‌ها مشغول سازند»

در سال ۱۹۶۲ م در آلمان کتاب قطوری به نام عقاید اسلام نوشته شرق‌شناس آلمانی هرمان استیگلر چاپ و پخش شد. در پایان این کتاب آمده است: «بر ما واجب است تا دیدگاه‌های جدیدی نسبت به عقاید مسیحی خود پیدا کنیم تا فهم عمیقی نسبت به تعالیم اسلام داشته باشیم و بتوانیم یک مسلمان متدین را به درستی بشناسیم و برای این منظور از نقاط ضعفی که تاکنون به عنوان دلیل علیه اسلام به کار می‌بردیم، پرهیز کنیم. تا بتوانیم سد دفاعی جدیدی در دفاع از عقیده مسیحیت بر پا سازیم. دفاعی که بتواند پاسخ‌گوی روح جوان و بالنده اسلامی و تحول فکری مسلمانان باشد»

غریبان اعتراف کردند که قبل از این، اشکالات زیاد آنان، براساس مجهولات و خرافات رایج در بین مسلمانان مبتنی بوده، نه بر خود اسلام.

#### – انگیزه بررسی‌های اسلامی مستشرقان

ریلاند برای اثبات ضرورت اسلام شناسی غربیان می‌نویسد: «انسان باید زبان عربی را فرا گیرد تا عین سخنان محمد را با همان زبان خودش گوش کند. در این هنگام است که برایش روشن می‌شود که مسلمانان دیوانگانی نبودند که ما خیال می‌کردیم؛ زیرا خداوند به همه انسان‌ها عقل داده است. به نظر می‌رسد دین اسلام که در سرزمین‌های پهناور آسیا و آفریقا و نیز اروپا منتشر شده، یک دین درهم و سستی نیست که بسیاری از مسیحیان خیال می‌کنند. درست است که دین اسلام جداً دین بد و بسیار مضرّ به مسیحیت است، اما آیا حق یک انسان نیست که برای همین اهمیت و خطرش به بررسی آن پردازد و عمق حیل‌های شیطانی‌اش را کشف کند؟ لذا شایسته است که انسان به شناسایی حقیقت اسلام پردازد تا هم با توان بیشتر بتواند راهنمایی برای امنیت «جامعه مسیحی در برابر پیشروی اسلام» فراهم کند»

ک. کراج رئیس تحریریه مجله العالم الاسلامی، آن دو طرح را چنین به غربیان اعلام کرد: «بر اسلام لازم است که یا یک تغییر ریشه‌ای در آن ایجاد گردد یا از گردونه حضور در زندگی جامعه بشری خارج شود»

متأسفانه این دو طرح به مرور زمان به اجرا درآمد، آن هم نه فقط توسط مستشرقان و اسلام شناسان غربی و مسیحی و یهودی، بلکه به دست و قلم و زبان بعضی مسلمانان روشنفکر بی‌هویت که به نام اسلام، مجری نیات پلید استشراق شدند: سال ۱۹۸۱ م. در آلمان کتابی توسط یک مسلمان عرب استاد دانشگاه‌های آلمان چاپ شد به نام ازمه الاسلام الحدیث عناصر اسلام جدید. عنصر ممتاز اسلام نوینی که این نویسنده مسلمان نما معرفی کرده است، کنار گذاشتن احکام تکلیفی اسلام و معرفی اسلام به عنوان یک «دین اخلاقی» محض است!!

#### – هشدار امام خمینی (ره) نسبت به تحریف اسلام توسط مستشرقان

امام خمینی (ره) در یک سخنرانی سه توطئه از توطئه‌های استعمار و شرق شناسان آنان را برای تصرف کشورهای اسلامی چنین افشا کردند: «بعد، یک مطالعات روانی اینها کردند که آیا چطور ممکن است که دست بیابند به این مخازن عظیمی که در این ممالک هست. در ممالک اسلامی، آیا چه بکنند که این مخازن با سهولت به دستشان بیاید و مواجه با یک مخالفت‌هایی، مواجه با یک زد و خوردهایی نشود. یک مطالعات زیادی هم در این باب اینها کرده‌اند، و به [این نکته] رسیدند در ممالک اسلامی، دو چیز را دیدند که این اگر باشد، ممکن است که سد راه آن‌ها باشد: یکی اصل اسلام، اگر اسلام به آن طوری که هست و به آن طوری خدای تبارک و تعالی اسلام را تأسیس کرده، اگر به آن طور اسلام پیاده بشود، فاتحه مستعمرین خوانده می‌شود. این راجع به اسلام که فکر کردند برایش. یکی هم روحانیت اسلام که اگر این‌ها قوه داشته باشند و این‌ها آن طوری که باید مقتدر باشند در این بلاد، باز هم [استعمارگران] نمی‌توانند آن طوری که می‌خواهند استفاده بکنند. این‌ها با تمام ملت سر و کار دارند و در بین ملت اگر قدرت داشته باشد کسی، این‌ها هستند، که در همه ملت ممکن است قدرت داشته باشند. در صدد برآمدند که این دو تا سد را به هر جور هست بشکنند؛ یعنی کاری بکنند که خود ملت‌های این‌ها، هر جمعیتی که هستند، در هر جا که هستند، این دو تا سد را با دست خود [بشکنند] این‌ها. به واسطه تبلیغاتی شروع کرده‌اند از زمان‌های قدیم، با این تبلیغاتشان این دو تا سد را که احتمال قوی می‌دادند که اگر استعمار و منافع استعماری، مواجه با خطر بشود این دو تا سد است که خطر است، دیگر باقی‌اش خطر به آن طور نیست».

#### د. تغییر اصطلاح اسلام شناسی و شرق شناسی به تخصص‌های زبان شناسی، خاور شناسی، تاریخ، اقتصاد و ...

در عصر پسا استعمار شرق شناسی و اسلام شناسی یا اصلاً مطرح نیست، یا کسی دوست ندارد با این صفت خوانده شود و در این دوره این صفت با بررسی ایدئولوژیک در مقابل بررسی علمی تعبیر شده است. اکنون متخصصان خود را به جای اسلام شناس و شرق شناس، مثلاً مردم شناس، مورخ، اقتصاددان و زبان شناس معرفی نموده‌اند؛ اقتصاددان تخصصاً اقتصاد ایران، مورخ امپراطوری اسلامی، زبان شناس در زمینه عربی در شمال آفریقا می‌نامند، در حالی که در دوره استعمار این افراد خود را شرق شناس یا اسلام شناس می‌خواندند.

این تحول در برنامه و رویکرد دو علت داشت: اول به دلیل رواج افکار ضد استعماری در میان تحصیل کردگان؛ دوم کتاب شرق شناسی ادوارد سعید. امروز حتی کسانی که روحیه استعماری دارند جرات نمی‌کنند بگویند ما طرفدار استعمار هستیم. این کتاب همه را وادار به موضع گیری کرد و عنوان فرعی آن شرق ساخته شده غرب بود و این بدان معنی است که این شرق (در مفهوم شرق شناسی) واقعی نیست و وجود خارجی ندارد. الان دیگر یک رشته یا دانشگاه به عنوان دانشگاه شرق شناسی وجود ندارد و در نهایت چیزی به نام مطالعات اسلامی وجود دارد. این در حالی است که در عصر استعمار، شرق شناس بودن یک افتخار بود در حالی که الان کسی به نام شرق شناس وجود ندارد.

مسائل متعددی در ذیل این بحث مطرح است که بعضی از مهمترین مباحث لازم به قرار زیر است:

## چرا شیعه شناسی در غرب گسترش نیافته است؟

این پرسش پاسخهای متعددی دارد که می توان آن را در بستر تاریخی مورد کنکاش قرار داد؛ اما عوامل متعددی دارد که بعضی از آنها عبارتند از:

### الف. دامن زدن اندیشه محدودیت و انحصار یافتن تفکر شیعی در ایران توسط مستشرقین

در فرانسه به طور خاص در مورد شیعه مطالعات جدی صورت نگرفته و این به آن سبب است که ایران شناسان مطالعه در مورد شیعه را به عهده اسلام شناسان می دانند و اسلام شناسان شناخت شیعه را مربوط به مطالعات ایران می دانند و بنابراین شیعه شناسی گسترش کمی در فرانسه داشته است. از سوی دیگر کمتر تحقیقی درباره تشیع وجود دارد زیرا ایران مستعمره فرانسه نبوده است و چنان که دیدیم انگیزه مطالعات در این زمینه ها قبلا استعمار بوده است. ما در مورد شیعه در فرانسه تحقیقات معدودی داریم که آن هم درخصوص سیستم فئودالی جنوب لبنان بوده و نکات حائز اهمیتی ندارد.

### ب. انحصار منابع تغذیه فکری مستشرقین به اندیشه سنی

به گفته هانری کربن: «تا کنون مستشرقین، اطلاعات مربوط به اسلام را از اهل تسنن اخذ می کردند و در نتیجه، حقیقت مذهب تشیع آن گونه که شایسته است، به دنیای غرب معرفی نشده است»

مباحث مهم دیگری هم مطرح است که در دوره های بعدی قابل بررسی است؛ مانند موارد زیر:

ارتباط شرق شناسی با ایران شناسی

ارتباط شرق شناسی با اسلام شناسی

ارتباط شرق شناسی با شیعه شناسی

شرق شناسان بزرگ و برجسته

ایران شناسان بزرگ و برجسته

آثار برجسته شرق شناسی